دوفصلنامه علمی ـ پژوهش های تطبیقی فقه مذاهب اسلامی
سال دوم/ شماره 4/ پاییز و زمستان ۱۳۹۹

Two quaterly scientific- specified contemporaneous jurisprudences Years, 2 No.4, autumn and winter 2020-21

مبنای افق و رؤیت هلال بوسیله چشم مسلح از دیدگاه فریقین

□ اشتیاق حسین *

چکیده:

در این مقاله با اشاره به اهمیت استهلال در شرع مبین اسلام و بیان کوتاهی نسبت به مبانی اختلاف دیدگاه‌ها به تبین یکی از مبانی اختلاف نظر و فتوا پرداخته شده است که عبارت است از اعتبار شرعی روئیت هلال به وسیله ابزار آلات نو و جدید و عدم اعتبار آن و تنها معتبر بودن رؤیت با چشم عادی. برای حل معقول مسئله مبنای شرط وحدت افق و عدم آن نیز مورد توجه قرار گرفته و به نظر نگارنده برای ایجاد هماهنگی و ارتباط مناسب بین این دو مبنا راه گشای خوبی خواهد بود. به این معنا که عدم شرط وحدت افق همراه با کفایت رؤیت با چشم مسلح دو مبنای متناسب وهماهنگ است که اختلاف را ریشه کن می کند و ظاهر ادله نیز همین می‌باشد و ما جز تابعیت از دلیل راهی نخواهیم داشت.

کلید واژه ها: روئیت عادی، اختلاف مبنا، استهلال، روئیت با چشم مسلح

---

* دانشجوی دکتری فقه مقارن مجتمع عالی فقه جامعة المصطفی ﷺ العالمیة.

مقدمه:

یکی از اموری که در احکام شرعیه حتی از نوع الزامی آن تاثیر گذار است؛ ماه های قمری است که تحقق ابتدای آنها غالبا منوط به ثبوت شرعی هلال می باشد چون شارع بعضی از اعمال خویش را در بعضی از ایام معین ماه های قمری مثل وجوب انجام اعمال حج در بعضی از ایام معین ماه ذی الحجه ، حرمت روزه در اول شوال و دهم ذی الحجه ویا حتی در کل ماه قمری مثل وجوب روزه در ماه رمضان قرار داده است

از این جهت استهلال از نگاه شرع امریست حایز اهمیت و مستحسن تا جای که اهل سنت از باب وجوب مقدمه واجب آن را واجب غیری شمرده اند. مسئله استهلال همانند مسائل فقهی درون مذهبی دیگر و به ویژه با توجه به جنبه ای مقارنه ی آن؛ دارای مبانی و فتاوا ی مختلف است و از طرف دیگر از مسائل عام البلوا ی است که تمام مسلمانان جهان سالیانه یک دو بار با این پدیده درگیر هستند و چه بسا این اختلاف های مبنایی و علمی مردم عادی را سرگردان و بعضا بد بینبی نسبت به دین ایجاد نموده است. لذا ضروری می نماید که نسبت به این مسئله ی عمومی باتوجه به مبانی و ادله به وحدت نظر و رای دست یافت تا گره ی باز بشود و مردم از این سرگردانی که سالیانه دم رمضان و عید دارند با خیال راحت بتوانند بیرون بیایند.

اهمیت رؤیت هلال از نگاه شرع مقدس:

استهلال ماه اگرچه یکی از مبانی اصلی تعیین زمان و ماه‌های قمری در دین اسلام است و تأثیر بسزایی در تعیین تکلیف مسلمانان دارد اما باید گفت که مسئله استهلال، موضوعی است که مربوط به مکلف است و نه مرجع تقلید یعنی اگر برای مکلف یقین حاصل شد که ماه دیده شده است باید به یقین خود عمل نماید این به این معناست که اگر هر یک از ما، ماه را دیدیم و یقین کردیم آن چه رؤیت کرده ایم ماه است ولو حلول ماه برای مرجع ما ثابت نشود، ما مکلفیم به قطع و یقین خود عمل کنیم و هیچگونه التزامی به عنوان مقلد فلان مرجع نداریم که اظهار نظرها در این باره به خصوص از سوی دفاتر را پذیرا باشیم.

خداوند در قرآن از هلال ماه، منازل ماه،گردش ماه بر اساس نظم و محاسبه دقیق و نقش آن

در تعیین اوقات زندگی مردم و تعین زمان حج سخن گفته است. (یونس/۳۹؛ الرحمن/۵؛ بقره/۱۸۹) بیشتر مذاهب اسلامی بر اساس روایات رؤیت هلال را مهم‌ترین نشانه شروع ماه قمری می‌دانند به همین دلیل نسبت به آن حساسیت داشته‌اند. وجود روایاتی که گرفتن روزه و افطار را به رؤیت هلال گره زده‌اند مانند: «روزه بگیرید با رؤیت آن و افطار کنید با رؤیت آن»[1] (کلینی، الکافی ٤٢٢٩ق: ۷۷/۴؛ مجلسی، بحار الانوار ۱٤۱۰ق: ج۵۵، ص۳۵۶. شوکانی،نیل الأوطار ۱٤۱۳ق:، ۱۸۸/٤) فقها را بر آن داشته تا درباره استهلال به ویژه استهلال ماه رمضان و شوال تاکید فراوانی داشته باشند تا جایی که علمای حنفیه و برخی از علمای امامیه به وجوب آن فتوا داده‌اند. (حلی، تحریر الاحکام، ۴۹۳/۱؛ مفید، المقنه، ۲۸۹؛ غنيمي ميداني، اللباب شرح الكتاب، ١٦٣/١) حنبلی ها و اکثر امامیه قائل به استحباب آن هستند. (عاملی، الدروس الشرعیه ۱٤۱۷ق: ۲۸۵/۱؛ کاشف الغطاء، کشف الغطا ۱٤۲۲ق: ۱۷/۴) البته مالکیه و شافعیه در این باره اظهار نظری ندارند. (الموسوعة الفقهية الكويتية، ٢٤/٢٢)

مبانی اختلاف در ثبوت هلال:

چرایی اختلاف بر سر اثبات اول ماه به علت وجود تفاوت در مبنا و فتاوای مراجع عظام تقلید است که در ذیل به آن اشاره میشود

یکی از این اختلافات، بخاطر تفاوت مبنا و دیدگاه فقهی بین مراجع عظام تقلید در رابطه با روش رؤیت هلال ماه است. بدین معنا که عده ای از فقهاي عظام رؤیت هلال ماه را با چشم مسلح (دوربین یا تلسکوپ) جایز نمی دانند و آنرا رؤیت به حساب نمی آورند، بلکه قائل هستند که حتما رؤیت باید با چشم غیر مسلح و بطور عادی انجام پذیرد. در مقابل عده ای دیگر از مراجع عظام رؤیت هلال را با چشم مسلح (دوربین یا تلسکوپ) دارای وجاهت شرعی قلمداد کرده و برای آن ترتیب اثر قائل هستند.

مطلب دیگر که باعث می‌شود اثبات اول ماه دچار اختلاف شود باز هم برگشت به نوع مبنا و دیدگاه فقهی مراجع عظام تقلید در رابطه با مکان رؤیت هلال ماه است عده ای از مراجع عظام تقلید قائل هستند که رؤیت هلال باید در افقی واقع شود که محل زندگی ما باشد، مثلا اگر

ساکن شهر تهران هستیم باید یا در افق تهران دیده شود و یا مثلا در افق شهر شهرکرد هلال ماه رؤیت شود. زیرا این دو شهر اتحاد در افق دارند، ولی در مقابل این مبنا و دیدگاه فقهی، دیدگاهی مخالف وجود دارد که بر اساس آن هر کجا از عالم که با محل زندگی ما در مقداری از شب مشترک بودند هلال ماه رؤیت شود برای تمامی ساکنین این اماکن، اول ماه به حساب می‌آید و این گونه مبناي وحدت افق را شرط نمی دانند مثلا اگر در انگلستان چون در مقداری از شب با ما که در ایران هستیم مشترک هستند با اینکه از لحاظ افق با هم متفاوت است، هلال ماه رؤیت شود برای ما هم که در ایران زندگی می کنیم، اول ماه اثبات خواهد شد.

مطلبی دیگری که باعث می‌شود اثبات اول ماه دچار اختلاف شود این است که آیا رؤیت هلال برای اثبات اول ماه طریقیت دارد یا موضوعیت؟ و اینکه آیا «رؤیت هلال» به عنوان یک فعل انسانی، بالاصاله موضوع وجوب برخی احکام شرعی مانند روزه قرار گرفته و شارع مقدس بر اساس یک تعبد شرعی، حکم خود را به عمل رؤیت منوط نموده است؛ و یا این که رؤیت هلال ماه، خود اصالت و استقلال ندارد و فقط به عنوان یک راه برای کشف پدیده حلول ماه جدید مطرح است؟ از احتمال اول به عنوان «موضوعیت» و از فرض دوم به مبنای «طریقیت» تعبیر می شود. در صورت انتخاب مبنای«موضوعیت رؤیت» جای سخن درباره راه‌های دیگر ثبوت حلول ماه باقی نمی ماند و فقط می توان درباره این که آیا ملاک، رؤیتِ شخصی است یا رؤیتِ نوعی، بحث کرد. زیرا موضوعیت داشتن یک عنوان در حکم شرعی به این معناست که شارع، ذات آن عنوان را بدون توجه به هیچ عامل دیگری مورد توجه قرار داده است. بدیهی است، چنین نگاهی به رؤیت، با نگاه طریقی به رؤیت ناسازگار است.

اما در «نظریه طریقیت» جای این بحث وجود دارد که آیا رؤیت، طریق انحصاری برای اثبات حلول ماه نو است یا راه‌های دیگر هم در کنار رؤیت برای اثبات حلول ماه نو پذیرفته می شود که در این صورت رؤیت هلال ماه برای اثبات اول ماه ملاک و اساس قرار نخواهد گرفت و آنچه که مهم است این است که ماه قابل رؤیت باشد نه اینکه رؤیت حتما توسط انسان انجام بپذیرد.

پس می بینیم که اختلاف دیدگاه مراجع عظام تقلید در رابطه با رؤیت هلال و اثبات اول ماه

دارای مبانی کاملا متفاوت است پس در نتیجه اثبات اول ماه با وجود اختلاف مبناء به وحدت نخواهد رسید.

اما آنچه که از فحوای احادیث در رابطه با آغاز ماه قمری به نظر میرسد آن است که «شرط رؤیت» در اثبات اول ماه قمری موضوعیت نداشته، بلکه طریقی است برای کشف اول ماه. و لحظه آغاز اول ماه نو قمری، خروج ماه از محاق می باشد و اگر چه در بسیاری از روایات روزه گرفتن و افطار معلق بر رؤیت هلال شده است، اما رؤیت هلال، طریقی برای علم به خروج ماه از محاق است. اموری چند این مطلب راتایید می کند.

الف) بینه می تواند به جای رؤیت هلال بنشیند و این نشان می دهد رؤیت هلال در روایات به نحو کاشفیت اخذ شده است. بنابر این چنانچه حجتی شرعی کاشف از حلول ماه باشد، می‌تواند جانشین آن شود.

ب) دلیل دیگری که نشان می دهد رؤیت هلال طریقی است برای حصول علم به خروج ماه از محاق، این است که باگذشت سی روز از اولین روزی که هلال دیده شده، حکم به خروج ماه سابق و حلول ماه جدید می شود.

ج) اگر به دلیل عدم ثبوت هلال، روزه یوم الشك افطار شود، آن گاه ثابت گردد که در شب [قبل از] آن روز، هلال وجود داشته است، قضای آن واجب است.

د) اگر هلال در شب بیست و نهم ماه رمضان دیده شود، معلوم می شود که روزه یك روز از روزهای ماه رمضان گرفته نشده است.

ه) اگر مکلفی به نیت آخر شعبان روزه بگیرد و معلوم شود که آن روز، روز اول ماه رمضان بوده، روزه‌اش صحیح است.

بر تمامی فروع مزبور نص وجود دارد و فقها در پرتو این نصوص فتوا داده اند. واین کاشف از آن است که رؤیت هلال در روایات به عنوان طریق حصول علم به وجود هلال در افق به هنگام غروب خورشید، اخذ شده است (جمعی از مؤلفان، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، ۵۲/۲۷)

البته همراه قابلیت رؤیت هلال، زیرا در روایت «صم لروية و افطر لروية» رؤیت فعلی مد نظر نیست، بلکه رؤیت شأنی مورد توجه قرار گرفته است و در تایید این نظریه با کمی دقت و

تامل در صحیحه «محمد بن قیس» که از حضرت(ع) سوال می کند و حضرت می فرمایند که؛ «اگر شما هلال را قبل از ظهر دیدی آن روز اول شوال است و اگر بعد از ظهر دیدی فردا اول شوال است» به نکته بسیار مهمی دست خواهیم یافت که عادتا ماه ، در ظهر روز اول هر ماه قمری به علت بسیار نازک بودن و کم نور بودن رؤیت پذیر نیست.

پس چگونه است که امام این مطلب را بیان داشته اند؟ در پاسخ به این سوال باید گفت: درست است که ماه قابل رؤیت نیست، ولی قابلیت رؤیت را داراست و لذا رؤیت فعلی ملاک امام (ع) در این حدیث نبوده بلکه رؤیت شأنی مد نظر حضرت بوده است، پس از هر طریق که کشف شود ماه قابلیت رؤیت را داراست می توان حکم به حلول ماه جدید قمری داد؛ خواه هلال ماه توسط مرصدین رؤیت شود، خواه به هر دلیل خارجی و طبیعی و عوامل گوناگون توسط مرصدین رؤیت نگردد.

با توجه به این مطالب، برای اثبات اول ماه قمری ، اگر قابلیت رؤیت هلال ماه در شب مخصوص، توسط منجمین بطور قطع و یقین و بدون اختلاف نظر بین آنها اعلام شود ، دیگر نیازی به رؤیت هلال ماه نمی باشد زیرا بطور حتمی ماه از محاق خارج شده و قابلیت رؤیت را دارا است اگرچه در ظاهر با موانعی از قبیل ابر روبرو بشود.

بحث و سعی ما در این مقاله برای کاهش اختلاف با توجه به دو به مبنای اختلافی «وحدت افق و عدم آن» و «اعتبار رؤیت عادی یا اعم از چشم مسلح» است در این جا با توجه به هر دو مبنا چند صورت مسئله پیدا میشود.

الف) وحدت افق را شرط بدانیم چه رؤیت عادی را معتبر بدانیم چه ندانیم و رؤیت با چشم مسلح را کافی بدانیم.

ب) وحدت افق را شرط ندانیم چه رؤیت عادی را معتبر بدانیم چه ندانیم و رؤیت با چشم مسلح را کافی بدانیم.

ج) وحدت افق را همراه با رؤیت عادی شرط بدانیم.

د) وحدت افق را همراه با شرط رؤیت عادی، شرط ندانیم.

از بین این صورتهای مختلف عدم اعتبار وحدت افق در کاهش تنش و اختلاف نقش به

سزایی دارد چون در این صورت ولو رؤیت عادی را شرط بدانیم؛ رؤیت عادی هلال در یک محل که غالبا در یکی از مناطق این نیم کره رخ می دهد، برای همه کفایت خواهد نمود و اختلاف از بین می رود اما اگر وحدت افق را شرط بدانیم و لو رؤیت با چشم مسلح را کافی بدانیم، اختلاف گرچه نسبت به محل های که وحدت افق دارند کاهش خواهد یافت اما نسبت به محل های که وحدت افق ندارند؛ اختلاف پا برجا خواهد ماند.

بنا بر این به نظر نگارنده همراه با تعیین مبنا در باره رؤیت عادی یا اعم از رؤیت با چشم مسلح؛ تعیین مبنا نسبت به افق در از بین بردن یا کاهش اختلاف نظر نقش به سزایی دارد لذا لازم است نخست به بیان دیدگاه ها را نسبت به شرط افق و عدم آن بپردازیم و سپس به دیدگاه ها نسبت به اعتبار چشم عادی یا اعم از آن را بپردازیم. نخست لازم است که محل نزاع در بحث افق تعیین بشود.

اگر دو شهر درافق متحد باشند، فقها اتفاق نظر دارند که رؤیت هلال در یك شهر برای شهر دیگر کافی است همین طور اگر زمان طلوع هلال در آنها یکی باشد و نیز جایی که زمان طلوع ماه در دو شهر مختلف باشد اما ثبوت ماه در یك شهر مستلزم این باشد که ماه برای شهر دیگر به طریق اولی ثابت باشد. مثلا دیده شدن ماه در شهری که در مشرق قراردارد، دلیل وجود ماه در شهری است که در مغرب قرار دارد، زیرا ماه از طرف شرق به طرف غرب حرکت می‌کند. بنابراین اگر ماه در شرق دیده شود، دلیل برتولد شرعی و قابل رؤیت بودن ماه به هنگام غروب خورشید در مشرق و قبل از رسیدن به مغرب است (خوئی، موسوعه الامام الخوئی، ۱۱۵/۲۲)

در هیچ یك از موارد فوق میان فقها اختلاف نظر وجود ندارد. اختلاف نظر میان فقها تنها در جایی است که افق‌هامختلف باشد و هلال در شهر غربی دیده شود. در این صورت

این سوال مطرح است که آیا دیدن هلال در شهرهای غربی، برای کسانی که در شهرهای شرقی زندگی می کنند، کافی است؟ فقها در این مساله سه گروه هستند.

گروه اول: اساسا متعرض این مساله نشده یا فرقی بین شهرهای دور و نزدیك قائل نشده یا تصریحی دراین زمینه ندارند

گروه دوم: اکثریت فقها را تشکیل می دهند که متعرض این مساله شده و بین شهرهای دور و

نزدیك تفاوت قائل شده‌اند

گروه سوم: بین شهرهای نزدیك و دور تفاوتی قائل نشده اند و حکم شهرهای دور رابا شهرهای نزدیك یکی دانسته اند (جمعی از مؤلفان، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، ۳۶/۲۷-۳۷)

نیازی به ذکر فقهای گروه اول نیست. مهم اشاره به فقهای دو گروه دیگر است که به نقل بعضی از اقوال و استدلال ها می پردازیم.

دیدگاه شرط وحدت افق:

گروهی از قدما نزدیکی دو شهری را که در یکی از آنها ماه دیده شده است، شرط کرده اند. اولین آنها شیخ طوسی (م٤٦٠ هـ) است. تعدادی از کسانی که یاد آور این شرط شده اند عبارتند از:

شیخ طوسی: نشانه ماه رمضان، رؤیت هلال یا قیام بینه بر رؤیت هلال است ... هر گاه هلال در شهری {که فرد مکلف در آن زندگی می کند} دیده نشود بلکه خارج از آن شهر دیده شود، بنابر آنچه بیان کردیم چنانچه شهرهایی که هلال در آنها دیده شده است نزدیك آن شهر باشند به طوری که با صاف بودن آسمان و نبود مانع، هلال در آن نیز دیده شود، دراین صورت واجب است به دلیل اتحاد آن شهرها در عرض جغرافیایی و نزدیك بودنشان به هم، طبق شهرهایی که هلال درآنها دیده شده است، عمل شود. مانند شهرهای بغداد، واسط، کوفه، تکریت و موصل اما اگر از یکدیگر دور باشند مانند شهرهای بغداد و خراسان، بغداد و مصر، هر شهری حکم خود را دارد (طوسی، المبسوط ۱۳۸۷ش: ۱/۲٦۷-۲٦۸)

ابن حمزه (م٥٥٠ هـ): اگر ماه در شهری دیده شود و در شهر دیگر دیده نشود، چنانچه این دو شهر نزدیك هم باشند، بر اهالی هر دو شهر روزه واجب است، اما اگر دور از یکدیگر باشند مثل بغداد و مصر یا شهرهای خراسان، در این صورت بر اهالی شهرهایی که ماه در آنها دیده نشده، روزه واجب نیست (ابن حمزه طوسی، الوسیله الی نیل الفضیله ۱٤۰۸ق: ۱٤۱)

محقق حلی: اگر ماه در شهرهای نزدیك به هم مثل کوفه و بغداد، دیده شود، بر تمامی ساکنان آنها روزه واجب است بر خلاف شهرهایی که از یکدیگر دورند مانند عراق و خراسان (حلی،

شرایع الاسلام ۱٤۰۸ق: ۲۰۰/۱)

بقول بعضی از برگان این مسئله که نزد بیشتر فقهای پیشین، مسکوت مانده بود، نزد فقهای متأخّر به صورت معرکة الآراء در آمده است.رأی معروف و مشهور میان متأخّران، اعتبار وحدت افق است. (جمعی از مؤلفان، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، ٤/٣٦)

با دو دلیل بر قول منسوب به مشهور استدلال شده است: یکی اصل عملی و دیگری، روایاتی مستفیضه با مضمون «صُم للرؤیة و أفطر للرؤیة» این روایات در شرط بودن رؤیت و دخالت آن در حلول ماه و انحصار اثبات حلول ماه به رؤیت ظهور دارد. فقط در مواردی از این انحصار خارج می‌شویم که خلاف آن با ادلّه‌ای دیگر، مانند شهادت دو شاهد عادل بر رؤیت یا گذشت سی روز، ثابت شده باشد. البته روایات ثبوت ماه با شهادت دو شاهد عادل بر رؤیت، ظاهر یا منصرف به رؤیت هلال در همان شهر یا در حوالی آن است، نه شهرهای دوری که با آن شهر اختلا افق دارد. (همان،۱۰/۳٦)

غیر از این، قیاس خروج ماه از محاق با طلوع و غروب خورشید که دارای طلوع و غروب های متعددی می باشد، را دلیل برای قول مشهور گرفته شده است که این قیاس را مرحوم آقای خوئی متذکر شده رد نموده اند تا جایی که امکان داشت بعد از جستجو این قیاس در آراء امامیه یافت نشد البته در بین عامه قرافی به این قیاس و همانند تعدد شروق و غروب شمس به تعدد مطالع ماه اشاره کرده است. (الموسوعة الفقهیة الکویتیة، ۳٦/۲۲)

در مقابل مشهور مرحوم آقای خوئی دیدگاه عدم شرط وحدت افق را دارند و اولین استدلال ایشان با اشتباه قلمداد نمودن قیاس بالا می فرمایند بین طلوع و غروب خورشید و طلوع ماه فرق است زیرا در هر لحظه در نقطه از زمین طلوعی و در نقطه‌ای دیگر مقابل آن غروبی محقق می شود این حالات از کیفیت قرار گرفتن کره زمین در برابر خورشید انتزاع می شود. بنابراین از وضع زمین درمقابل خورشید، نسبتی میان این دو پدید آمده است و از آن جا که زمین همواره درتبدل و انتقال است، این نسبت برحسب اختلاف جهت زمین با خورشید، تغییر می‌کند. در حالی که در مورد هلال چنین نیست، زیرا هلال از کیفیت نسبت ماه به خورشید به وجود می آید بدون این که کره زمین دخالتی در این مساله داشته باشد، به طوری که اگر فرض کنیم اساسا کره زمین وجود

نداشته باشد، ماه با اشکال مختلفش ازهلال گرفته تا بدر و بالعکس به همان شکل که اینك مشاهده می کنیم، ظاهر خواهد شد. به عبارت دیگر هلال عبارت است از خروج ماه هر چند اجمالا از تحت الشعاع به مقداری که قابل رؤیت باشد و این یك امر واقعی و عینی است که نسبت به شهرها و اماکن مختلف، تفاوت نمی‌کند زیرا هلال، نسبت میان ماه و خورشید است نه‌نسبت بین ماه و زمین. از این رو اختلاف اماکن و سرزمین ها در پیدایش این پدیده کیهانی در فضای آسمان، تاثیری ندارد. بنابراین پیدایش این پدیده، آغاز ماه قمری است برای همه نقاط کره زمین با اختلاف مشرق ها و مغرب هایی که دارند، اگر چه هلال در برخی نقاط آن به دلیل وجود مانعی خارجی از قبیل پرتو خورشید، یا کروی بودن زمین، دیده نشود. (خوئی، المستند العروه الوثقی، ۱۱۷/۲)

لب مطلب این که قیاس این پدیدهٔ با طلوع و غروب خورشید، قیاسی مع الفارق است. دلیل این سخن، آن است که مقتضای طبیعیِ کروی بودن زمین، آن است که هر نقطه‌ای از آن، مشرق و مغرب [زمان طلوع و زمان غروب] خاص داشته باشد و ممکن نیست همهٔ کرهٔ زمین، یك مشرق و یك مغرب داشته باشد. بر خلاف پدیدهٔ طبیعی خروج ماه از منطقهٔ تحت الشعاع خورشید که به واسطهٔ عدم ارتباط آن با نقاط مختلف زمین، ممکن نیست به تعدّد نقاط زمین، متعدّد باشد. نتیجهٔ این تحلیل، آن است که رؤیت هلال در هر نقطه‌ای اتفاق افتاده باشد، امارهٔ قطعی بر خروج ماه از محاق و آغاز ماه قمریِ جدید برای همهٔ ساکنان زمین است، نه فقط برای شهری که هلال در آن رؤیت شده است و شهرهای هم افق با آن.

از اینجا معلوم می‌شود که گرایش مشهور به معتبر بودن وحدت افق، مبتنی بر این پندار است که رابطهٔ خروج کرهٔ ما از تحت الشعاع خورشید با نقاط کرهٔ زمین، همانند رابطهٔ طلوع و غروب خورشید با زمین است. اما همان گونه که گفتیم، خروج ماه از تحت الشعاع خورشید، ربطی به نقطهٔ معینی از زمین ندارد و وضع آن نسبت به وجود یا عدم کرهٔ زمین، یکسان است.

یکی از شاگردان برجسته آقای خوئی این استدلال را قابل نقد می دانند می نویسند: اگرچه از نظر علمی، درست است، اما برای اثبات اینکه واقعیت عنوان ماه قمری، امری یکباره و دفعی نسبت به همهٔ کرهٔ زمین است و افراد متعدّد ندارد، کافی نیست. به دلیل آنکه چه بسا عنوان ماه

قمری، نامی برای پدیدهٔ طبیعی خروج ماه از محاق نباشد، بلکه نام پدیدهٔ واقعیِ دیگری باشد که نسبی بوده و در نقاط مختلف زمین، افراد متعدّد دارد و آن، عبارت است از «امکان رؤیت هلال در شهررؤیت».

مقصود از امکان رؤیت، آن است که هلال در نتیجهٔ گردش خود، به درجه‌ای از نورانیت برسد که در هر شهری، هنگام غروب خورشید، قابل رؤیت باشد. این پدیده نیز امری واقعی است و رؤیت، طریق کشف آن است و در عین حال، امری نسبی نیز هست؛ یعنی در سطح کرهٔ زمین، از نقطه‌ای به نقطهٔ دیگر، متفاوت است. (جمعی از مؤلفان، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، ٣٤/٣٦-٣٥)

بنا بر این لازمه ی تفاوت مزبور بین خورشید و ماه یک پارچگی ماه نیست تا ما قائل به عدم اعتبار افق بشویم.

دلیل دیگر اطلاق ادله بینه است نصوص مطلقی وارد شده در زمینه اقامه بینه برای رؤیت هلال در روز شك که آیا از ماه رمضان است یا شوال و این که اگر از ماه رمضان باشد چنانچه مکلف افطار کند بایستی روزه آن روز را قضا کند.[۲] (حر عاملی، وسائل الشیعه، ١٤٠٩ق:٢٥٤/١٠) مقتضای اطلاقات این نصوص، عدم فرق است بین این که رؤیت هلال در شهری باشد که روزه دار در آن به سر می‌برد یا در غیر آن و بین این که شهری که هلال در آن دیده شده با شهری که روزه دار در آن به سر می‌برد در افق متحد باشد یا مختلف. این ادعا که نصوص مزبوربه اهالی شهری که هلال در آن دیده شده انصراف دارد، بی پایه است. به ویژه که دربرخی از نصوص تصریح شده است: «دو شاهد داخل شهر شده، از آن خارج می شوند.» البته این روایت با اطلاقی که دارد شامل شهادت کسی می شود که از خارج شهر وارد شده باشد. (خوئی، المستند فی شرح العروه الوثقی، ١٢٠/٢)

باید گفت که ادعای اطلاق نصوص، درست است و این نصوص، هم شامل شهری که هلال در آن رؤیت شده می‌شود و هم شامل شهری که هلال در آن رؤیت نشده است. اما ادعای اطلاق این نصوص نسبت به شهرهای متحدالافق و مختلف الافق، بسیار بعید است. (جمعی از مؤلفان، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، ٦١/٢٧)

علاوه بر آن، استدلال به نصوص خاص برشرط نبودن وحدت افق نیز شده است که به بعضی از آنها می پزدازیم.

۱.امام صادق (ع) در صحیحه هشام بن حکم درمورد کسی که ۲۹ روز روزه گرفته می فرماید: اگر این شخص بینه عادلی دارد که اهالی شهری بر اساس رؤیت هلال، سی روز روزه گرفته اند، بایستی [روزه ای را که نگرفته] قضا کند.[۳] (طوسی، تهذیب الاحکام ۱٤۰۷ق: ۱۵۸/٤)

۲.صحیحه عبدالرحمن بن ابی عبداللّه:از امام صادق (ع) در مورد هلال ماه رمضان که در روز بیست و نهم ماه شعبان از ما پوشیده است، سوال کردم. امام (ع) فرمود: روزه مگیر مگر این که هلال را ببینی. پس اگر اهالی شهری دیگر به حلول ماه شهادت دادند، روزه ای را که نگرفته ای قضا کن.[٤] (حرعاملی، وسایل الشیعة ۱٤۰۹ق، ۲٥٤/۱۰)

۳.در صحیحه ابو بصیر آمده است که از امام صادق (ع) در مورد روزی از ماه رمضان که بایستی قضا شود سوال شد امام (ع) فرمود: آن روز را قضا مکن مگر این که دو شاهد عادل اهل نماز ثابت کنند که چه زمانی اول ماه است. فرمود:روزی را که قضا می شود روزه مگیر مگر این که اهالی شهرها قضای آن روز را به جا آورده باشند، اگر آنها به جا آوردند تو هم به جای آور.[٥] (طوسی، تهذیب الاحکام ۱٤۰۷ق: ۱٥۷/٤)

به مقتضای نصوص مذکور، هلال و ثبوت ماه دریك شهر برای دیگر شهرها کافی است و در هیچ یك از این روایات وحدت افق قید نشده است. (جمعی از مؤلفان، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، ٦٤/۲۷)

در پاسخ باید گفت با علم به این که وسایل نقلیه آن دوران بسیار محدود بوده است و لذا مسافری که خبر رؤیت هلال رانقل می کرده، از شهری به شهر دیگر می‌آمده است که فاصله بین آن دو شهر پنجاه یا نزدیك به پنجاه کیلومتر بوده است و گفتیم که این مقدار مسافت بلکه بسیار بیشتر از آن هم در وحدت افق تاثیری ندارد و کم اتفاق می‌افتد انسان از مصر خارج شود وباخبر رؤیت هلال وارد بغداد شود و خبرش برای اهالی بغداد که در سمت شرقی مصر واقع شده است، حجت باشد، استدلال به این اطلاقات، درست نیست (همان)

علاوه بر این چند مؤیِّد نیز در این راستا ذکر شده است از جمله وحدت روز عید و شب قدر که این وحدت برگرفته از ادعیه روز عید و روایات می باشد با پذیرش مبنای عدم اعتبار وحدت افق هماهنگ می باشد. (خوئی، المستند فی شرح العروه الوثقی، ۱۲۲/۲)

اما از این مؤیِّدات نیز پاسخ گفته شده است: بنا برکروی بودن زمین، گریزی از تعدد روز عید و شب قدر نخواهد بود. به دلیل این که کسانی که وحدت افق را شرط نمی‌دانند، حجیت رؤیت هلال در یك منطقه را مختص سرزمین هایی می‌دانندکه حداقل در بخش کوتاهی از شب، با سرزمین هایی که هلال در آنها دیده شده، مشترك باشند و نیمه دیگر زمین را که با آن سرزمین هیچ اشتراکی در شب ندارد، مشمول این حکم نمی‌دانند.بنابراین چه وحدت افق را شرط بدانیم و چه شرط ندانیم، روز عید متعدد است همچنان که بنابر کروی بودن زمین، شب قدر نیز متعدد است. (جمعی از مؤلفان، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، ٦٧/٢٧) چنانچه صاحب «الحدائق» به این امر اعتراف می نماید که در صورت پذیرش کرؤیت زمین چاره ای جز پذیرفتن تعدد این ایام نخواهد بود گرچه ایشان این مبنا را قبول ندارند و بر اساس روایات مسطح بودن آن را می پذیرند. (بحرانی، الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة ١٤٠٥ق: ٢٦٦/١٣-٢٦٧)

این اختلاف میان علمای عامه هم وجود دارد. حنفی‌ها (ابن عابدین، الدر المختار ورد المحتار ١٣١/٢-١٣٢، شرنبلالي، مراقي الفلاح ١٤٢٥ق: ١٠٩) و مالکی‌ها (دسوقی، الشرح الكبير، ٥١٠/١؛ ابن رشد، بداية المجتهد ١٤٢٥ق، ٢٧٨/١) و حنبلی‌ها (بهوتي، كشاف القناع، ٣٥٣/٢) قائل به ثبوت رؤیت هلال برای همه نقاط عالم در صورت رؤیت در یک نقطه هستند و شافعیه (نووي، المجموع، ٢٩٧/٦-٣٠٣؛ شربيني، مغني المحتاج ١٤١٥ق: ٤٢٢/١-٤٢٣) معتقدند اگر رأی فقها مختلف باشد رؤیت هر ناحیه برای همان ناحیه حجت است.

در صورت ثبوت رؤیت هلال از راه معتبر شرعی، بیشتر فقهای اهل‌سنت، قائل به تعمیم آن از محل رؤیت هلال به دیگر شهرهایند خواه با محل رؤیت هلال هم افق باشند یا نباشند. در «الفقه علی‌المذاهب‌الاربعه» آمده است:

«هرگاه هلال در یک ناحیه‌ای از نواحی، رؤیت شود بر سایر نواحی روزه واجب است، از جهت ثبوت رؤیت هلال فرقی میان دور و نزدیک نیست در صورتی که رؤیت هلال از راه معتبر

شرعی به مردم برسد. در نزد سه تن از پیشوایان فقهی، اختلاف افق رؤیت هلال مطلقاً اعتبار ندارد، ولی شافعیان با این قول مخالفند. شافعیان گفته‌اند: هرگاه رؤیت هلال در ناحیه‌ای ثابت شود بر مردم هر ناحیه نزدیک و متحدالافق (اتحاد افق به این است که فاصله میان آن دو ناحیه کمتر از ٢٤ فرسخ باشد با محل ثبوت رؤیت هلال) واجب است که روزه بگیرند. اما با این رؤیت هلال، بر مردم ناحیه دور به خاطر اختلاف افق، روزه واجب نیست» (جزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه ١٤٢٤ق: ٥٥٠/١)

در «الفقه‌الاسلامی و ادلّته» آمده است: «جمهور اهل‌سنت بر خلاف شافعیان، قائل به تعمیم ثبوت رؤیت هلال هستند و اختلاف افق، اعتباری ندارد» (زحیلی، الفقه‌الاسلامی و ادلّته، ١٦٥٨/٣)

برخی از فقهای شافعی گفته‌اند: اگر میان دو شهر، مسافت و فاصله نزدیکی باشد که موجب اختلاف افق نشود مانند بغداد و بصره با رؤیت هلال در یکی از این دو شهر، بر اهالی هر دو شهر، روزه واجب است و اگر میان آن دو شهر مسافت و فاصله دوری باشد مانند عراق، حجاز و شام پس برای اهالی هر شهری رؤیت خودشان ملاک است. از عکرمه نقل شده که «لِكُل أَهْل بَلَدٍ رُؤيتهم» و این قول قاسم، سالم و اسحاق است، به خاطر روایت كُرَيْب (همان)

فقهای شافعیه سه دلیل بر مدعای خویش بیان کرده اند که به اختصار اشاره می شود.

١- روایات:

١-١. روایت كُرَيْب:[٦] (مسلم، صحیح مسلم، ٧٦٥/٢)

که ما حصل روایت این است که ابن عباس به رؤیت اهل شام بهای نداد که نتیجه آن عدم اعتبار رؤیت اهل شهر و منطقه ای برای دیگر مناطق و شهر ها است.

١-٢.روایت عبد الله بن عمر:[٧] (همان، ٧٥٩/٢)

که ما حصل این روایت این است که منظور از رؤیت ؛رؤیت کل نیست بلکه رؤیت بعض است که این رؤیت از سوی بعضی برای همه رؤیت به حساب نمی آید لذا رؤیت در شهری، زویت برای همه شهرها به حساب نمی آید.

۲- قیاس: اختلاف مطالع قمر را با اختلاف مطالع آفتاب قیاس نموده اند ؛یعنی : همانطور مطالع شمس همه جا یک جور نیست مطالع مهتاب نیز یک جور نیست قرافی در الفروق این قیاس را با توضیح بیشتری متذکر شده است. (قراقي، الفروق، ٢٠٤/٢)

۳- امر معقول: شرع وجوب روزه را با وجود ماه رمضان منوط و مشروط نموده است و آغاز ماه نیز با توجه به اختلاف و دوری شهرها؛مختلف است و این امری است که با توجه به اختلاف شهرها مقتضی اختلاف در آغاز ماه رمضان می گردد پس آغاز ماه رمضان در یک شهر مستلزم آغاز آن در شهر دیگری نمی شود. (زحيلي، الفقه الاسلامی و ادلته، ١٦٦١/٣)

جمهور عامه نیز بر مدعای خود با سنت و قیاس استدلال نموده اند.

اما سنت : روایت ابو هریره و غیر او است[۸] (مسلم، صحیح مسلم، ٧٦٢/٢) این حدیث دلالت می کند که وجوب روزه بر تمام مسلمین معلق به مطلق رؤیت است بنا بر این رؤیت جماعتی یا فردی که شهادت او پزیرفته است، کفایت می کند.

اماقیاس : از جهت رؤیت هلال، شهرهای دور را با شهرهای نزدیک قیاس نموده اند و گفته اند هیچ فرقی بین شهرها وجود ندارد قائل شدن به فرق تحکم و بدون دلیل است.

دکتر زحیلی نیز در تایید دیدگاه جمهور عامه نقل می نمایند:

دیدگاه جمهور اهل سنت برای وحدت کلمه در عبادت و بندگی و برای جلوگیر از اختلاف نظر بین مسلمین که به هیچ وجه در دوران و زمان کنونی مطلوب نیست و نیز برای اینکه روزه بدون هیچگونه تفاوتی بین مناطق مختلف منوط و معلق بر رؤیت هلال می باشد و علوم و دانش فلکی نیز یکی بودن اول ماه را در بین شهرهای اسلامی تایید می کند چون نهایت اختلافی که بین شهرهای اسلامی از جهت رؤیت هلال وجود دارد ۹ ساعت است لذا تمام شهرها در مقداری از شب مشترکند و با رؤیت و اطلاع رسانی به شهرهای دیگر امکان روزه گرفتن برای همه ای مسلمین وجود دارد. (زحيلي،الفِقْهُ الإسلاميُّ وأدلَّتُهُ، ١٦٦٢/٣)

دیدگاه چشم مسلح:

در مسئلهٔ تحقّق ماه قمری در رؤیت هلال، بحث موضوعی دیگری نیز گشوده شده است و آن

اینکه میزان تحقّق ماه قمری، آیا خروج واقعی ماه از محاق است حتی اگر به کمك دستگاه و با چشم مسلّح نیز به شکل هلال، قابل رؤیت نباشد یا میزان تحقّق ماه، آن است که کرهٔ ماه در مسیر گردش خود، به درجه‌ای از ظهور و بروز برسد که و لو با چشم مسلح‌به شکل هلال، قابل رؤیت باشد؛ یا میزان، آن است که هلال با چشم طبیعی قابل رؤیت باشد و امکان رؤیت آن به کمك دستگاههای جدید و با چشم مسلّح، کافی نیست؟ ظاهر سخن فقها آن است که شرط تحقّق ماه، رؤیت هلال با چشم طبیعی است (جمعی از مؤلفان، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، ٦٥/٣٦-٦٧)

بحث رؤیت هلال با چشم مسلح از مسائل مستحدثه است و سابقهٔ چندانی در فقه ندارد. از این رو پاره‌ای از استدلالها در این بحث چندان قوی و کامل نیست. مثلًا برخی از طرفداران اعتبار رؤیت هلال با چشم مسلح به همین دلیل اکتفا می‌کنند که «رؤیت در روایات، مطلق است و شامل رؤیت با چشم مسلح هم می‌شود»

همچنین بعضی از مخالفان اعتبار رؤیت با چشم مسلح هم به این دلیل اکتفا کرده‌اند که «رؤیت به رؤیت متعارف در زمان شارع مقدس انصراف دارد ولی دلیلی برای انصراف ذکر نکرده‌اند.

قول مشهور در میان فقهای عصر ما، عدم اعتبار رؤیت با چشم مسلح است که حضرات آیات: امام خمینی، خویی، شهید سید محمد باقر صدر و شهید سید محمد صدر از جملهٔ این فقیهان هستند. (رضا مختاري ،رویت هلال ١٤٢٦ق: ٤/٢٦٥٠-٢٨٢٩)

در تعیین محل نزاع باید دانست موضوع بحث صورتی است که هلال با چشم غیر مسلّح به هیچ وجه قابل رؤیت نباشد، هر چند هیچ مانعی مانند ابر و بخار وجود نداشته باشد. بنابراین، اگر هلال به حدّی برسد که اگر مانعی نباشد، با چشم عادی رؤیت شود، ولی بر اثر مانع، فقط با تلسکوپ قابل رؤیت باشد، در اینجا مسلّماً، رؤیت با تلسکوپ معتبر است. در این فرض حتی اگر با تلسکوپ هم- بر اثر مانع- قابل رؤیت نباشد ولی محاسبات علمی نشان دهد که ماه با چشم غیر مسلّح رؤیت‌پذیر و قابل رؤیت است، کافی و معتبر می‌باشد و حلول ماه نو با آن ثابت می‌شود و شاید برخی از کسانی که رؤیت با تلسکوپ را معتبر می‌دانند مقصودشان همین

صورت است. (جمعی از مؤلفان، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، ۳۹-۱۵٦/٤۰)

در توضیح این بحث مرحوم آقای خوئی آورده‌اند: پوشیده نیست که کرهٔ ماه- به عقیدهٔ هیئت شناسان قدیم- دو حرکت دارد: حرکتی به دور خود در هر بیست و چهار ساعت، که این حرکت، دارای مشرق و مغرب است. حرکت دیگری نیز در همان مدار، هر ماه یك بار به دور زمین و از جهت غرب به شرق دارد. بر این اساس، مکان ماه در هر روز، با روز دیگر، متفاوت است و از این جهت، گاهی حرکت ماه، همگام با طلوع و غروب خورشید است و گاهی با آن اختلاف دارد. در حالت همگامی حرکت ماه و خورشید، که از آن به محاق یا تحت الشعاع تعبیر می‌شود و طبعاً در آخر ماه اتفاق می‌افتد، از آنجا که نیمهٔ روشن ماه در این حالت، کاملًا به طرف مشرق و رو به روی خورشید است، هیچ جزئی از آن دیده نخواهد شد. سپس مسیر، تغییر یافته و نیمهٔ روشن ماه به سمت شرق منحرف شده و بخشی از آن ظاهر می‌شود و هلال جدید به وجود می‌آید. اما این انحراف مسیر، که نمایان شدن ماه را در پی دارد، تدریجی انجام می‌گیرد و از این رو در ابتدا مقدار چشمگیری از ماه که قابل رؤیت باشد، یکباره آشکار نمی‌شود، بلکه اندك اندك آشکار می‌گردد؛ زیرا هرجزء از نور را فرض کنیم، بنا بر این اصل فلسفی که هیچ جزء تجزیه ناپذیری وجود ندارد طبعاً قابل تقسیم به اجزای کوچکتر است. اگر فرض کنیم نخستین جزء از ماه که در برابر خورشید قرار می‌گیرد، می‌میلیونم نیمهٔ روشن ماه باشد، این جزء چون بسیار کوچك است، قابل رؤیت نیست و اگر چه وجود واقعی دارد و بر حسب قواعد فلکی و ضوابط علم نجوم، علم قطعی به تحقّق آن داریم، اما شرعاً تأثیری در تکوّن هلال ندارد؛ زیرا بر اساس روایات گذشته، آنچه در تحقّق ماه قمری اعتبار دارد، فقط رؤیت است، یا شهادت حسّی دو شاهد که آن را با چشم عادی دیده باشند، نه اینکه از روی قواعد نجومی، به وجود آن پی برده یا از بلند بودن هلال در شب بعد، کشف کنند که در شب قبل نیز وجود داشته است از اینجا معلوم می‌شود که رؤیت با چشم مسلّح و به استناد دستگاهها و دوربینهای جدید، مانند تلسکوپ، بی آنکه با چشم عادی قابل رؤیت باشد، اعتبار ندارد. البته تعیین محل هلال به کمك دستگاه و سپس دیدن آن با چشم عادی، اشکال ندارد. بنابر این، هرگاه هلال، قابل رؤیت باشد، هر چند مقدّمات رؤیت، به کمك این دستگاهها فراهم شده باشد، کفایت می‌کند و هلال ثابت می‌شود.

(خوئی، المستندفی شرح العروة الوثقی، ۱۲۳/۲)

لکن در مقابل بعضی از محققین این دیدگاه را مورد مناقشه قرار داده می نویسند: اما اینکه گفته‌اند: «شرط تحقّق ماه، امکان رؤیت هلال با چشم عادی است و رؤیت آن با چشم مسلّح کافی نیست» از دو لحاظ قابل مناقشه است:

۱. روایات رؤیت، دلالت بر آن ندارد که فقط رؤیت با چشم عادی اعتبار دارد. عنوان رؤیت، همان گونه که رؤیت با چشم عادی را در بر می‌گیرد، رؤیت با چشم مسلّح را نیز شامل می‌شود؛ رؤیت با چشم مسلّح نیز مصداق رؤیت هلال است همانند رؤیت با عینك طبّی برای کسی که ضعف بینایی دارد. بلی، احراز وجود هلال، با محاسبهٔ قواعد نجومی، بدون امکان رؤیت آن، حتی با چشم مسلّح، برای اثبات حلول ماه قمری، کافی نیست؛ زیرا در تحقّق ماه قمری، شرط است که ماه به درجه‌ای از درخشندگی رسیده باشد که و لو به کمك دستگاه، رؤیت آن به شکل هلال، ممکن باشد و احراز این مرتبه، با محاسبه، ممکن نیست. البته رؤیت با دستگاههای بزرگ نما، رؤیت غالب و متعارف میان مردم نیست، ولی در مباحث پیشین، گذشت که موجبی برای ادّعای انصراف روایات به رؤیت غالب یا متعارف وجود ندارد؛ خصوصاً پس از آنکه پذیرفتیم رؤیت، فقط طریقی برای کشف پدیدار شدن ماه و وجود آن در افق، به شکل هلال است.

در پاسخ به این می توان گفت: اولا: همه ای مخالفان نه بلکه اشخاص محدودی صحبت از انصراف نموده اند.

ثانیا: قبلا در ابتدای بحث به محل نزاع اشاره شد با توجه به آن این بیان در دفاع از اعتبار رؤیت با چشم مسلح در واقع خروج از موضوع بحث می باشد.

۲. از برخی روایات استفاده می‌شود که رؤیت با چشم عادی یا متعارف، شرط نیست. از جملهٔ این روایات، معتبرهٔ علی بن جعفر از امام کاظم (ع) است که به دو صورت نقل شده است: در کتاب علی بن جعفر آمده است: علی بن جعفر می‌گوید: از امام کاظم (ع) پرسیدم: آیا کسی که به تنهایی، هلال ماه رمضان را می‌بیند و غیر از او کسی آن را نمی‌بیند، می‌تواند روزه بگیرد؟ فرمود: اگر در آن شك ندارد، باید تنها خود او روزه بگیرد؛ و گرنه هرگاه مردم روزه گرفتند، او هم

روزه بگیرد.[۹] (علی بن جعفر، مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها ۱٤۰۹ق: ۱٤۹-۱۵۰)

شیخ صدوق در کتاب الفقیه، این روایت را با اسناد خود از علی بن جعفر، این گونه نقل کرده است: علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر (ع)پرسید: مردی در ماه رمضان، هلال را به تنهایی می‌بیند و کسی غیر از او آن را نمی‌بیند، آیا می‌تواند روزه بگیرد؟ امام فرمود: اگر شك ندارد، باید افطار کند؛ و گرنه با مردم روزه بگیرد.[۱۰] (صدوق، من لایحضره الفقیه ۱٤۱۳ق، ۱۲٤/۲)

ظاهر نقل دوم، سؤال از هلال ماه شوال است. شاید این دو نقل، دو روایت مستقل باشند. اگر چه با توجه به وحدت فقرات هردو، بعید به نظر می‌رسد که دو روایت مستقل باشند.

در هر حال، مضمون هر دو، یکی است و آن اینکه اگر کسی به تنهایی هلال را می‌بیند و غیر از او کسی آن را نمی‌بیند، هرگاه شك نداشته و به رؤیت خود یقین داشته باشد، ترتّب آثار ماه جدید بر او واجب است. تعبیر «یری الهلال وحده و لایبصره غیره» ظهور در دید انفرادی این شخص دارد؛ بدین معنا که تنها این شخص، هلال را می‌بیند و کسی غیر از او آن را نمی‌بیند؛ نه اینکه کسی غیر از او هلال را ندیده است.

بنابر این، روایت یاد شده- ولو با اطلاق خود- دلالت دارد که این شخص، حتی با این فرض که چنین دیدی برای دیگر مردم ممکن نباشد- مثلًا چشم او دید غیر متعارف داشته باشد- نیز همین حکم را دارد که در روایت آمده است. از این رو، مشروط کردن بینایی و رؤیت به دیدن با چشم متعارف و عادی، وجهی ندارد. «واللّه الهادي للصواب» (جمعی از مؤلفان، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، ٦۷/۳٦-٦۹)

ولی این ادعا قابل مناقشه است اولا: بر اساس این روایت اول ماه بشکل عموم به اثبات نمی رسد بلکه نهایت چیزی که دست میآید عبارت است از این که بر اساس اطمینان و یقین به رؤیت هلال بلکه نهایت چیزی که دست میآید عبارت است از این که بر اساس اطمینان و یقین به رؤیت هلال؛ روزه بر این فرد واجب است .

ثانیا: توسط روایاتی که ادعای رؤیت یک نفر را[۱۱] (حرعاملی، وسائل الشیعة ۱٤۰۹ق: ۲۸۹/۱۰) یا حتی در باب شهادت در مورد هلال که دو نفر عادل در جمع غفیری شهادت به

رؤیت بدهند در حالی که رؤیت آنان غیر متعارف باشد؛ شهادت آنان نپزیرفته است مورد نقض قرار می گیرد.بقول مرحوم آقای خوئی نیاز به دلیل خاصی برای رد شهادت این نفر نیست بلکه ادله ی اعتبار بینه از اول چنین شهادتی را دربر نمی گیرد. (خویی، موسوعة الإمام الخوئي، ۷۰/۲۲) گرچه آقای خوئی برای اعتبار بینه عدم علم و اطمینان به خطا را به پیش کشیده است ولی ممکن است اینها خطای نکرده باشند و بخاطر تیزبینی غیر متعارف هلال را رؤیت کرده باشند علی ای حال منشاء خطا هرچه باشد این چنین رؤیت ی اعتبار ندارد.

و نیز در اعتبار رؤیت با چشم مسلح نکاتی را بعنوان تایید و دلیل بشکل مناقشه متذکر می شویم.

چنانچه گفته اند: اگر شارع مقدس در این امر مهم, رؤیت غیر مسلّح را معتبر می دانست, لازم بود با بیانی روشن و صریح, اعتبار رؤیت با چشم معمولی را ذکر می فرمود. به عبارت دیگر, نمی توان گفت شارع در امری که مورد ابتلای مسلمانان در هر سال و بلکه در هر ماه است,به مجرد انصراف اکتفاکند.

پاسخ: مخالف اعتبار چشم مسلّح, عکس این سخن را بر مستدل ّوارد می کند و می گوید: اگرشارع مقدس, رؤیت با چشم مسلّح را معتبر می دانست, لازم بود با بیانی روشن و صریح, اعتبار رؤیت با چشم مسلّح را ذکر می فرمود. به عبارت دیگر, نمی توان گفت: شارع در چنین امر مهمی به مجرّد اطلاق (رؤیت) اکتفا کرده است.

می توان ادلّه این گروه [قائلین به اعتبار رؤیت با چشم مسلّح] را در سه دلیل زیرخلاصه نمود:

۱. جریان أصالة الإطلاق نسبت به سبب رؤیت و عدم وجود قرینه بر انصراف.

۲. استناد حقیقی رؤیت به کسی که با ابزار و وسایل, آن را انجام می دهد. آنچه از نظر صناعی لازم است, صدق و استناد رؤیت به بیننده می باشد, و به طور قطع می توان رؤیت را به کسی که با تلسکوپ می بیند, استناد داد و این استناد حقیقی است. به عبارت دیگر, صدق رؤیت بر رؤیت با ابزار, محرز و مسلّم است.

۳.شمول اطلاق لفظ (أهلّه...) بر هلالی که مردم با چشم معمولی نمی بینند, امّا با وسایل و ابزار, امکان رؤیت دارد.

در پاسخ به این ادله گفته شده است اطلاق رؤیت در مسئله محل بحث ما به دلیل نبود آن در مقام ثبوت،ممکن نخواهد بود بلکه بالاتر گفته اند تقیید در مقام بخاطر قرینه عقلی امکان پذیر نیست تا اطلاق جاری کنیم.

امّا دلیل دوم؛یعنی:(استناد حقیقی رؤیت الخ) در پاسخ آن می گوییم: درست است که (صدق رؤیت بر رؤیت با ابزار محرز و مسلّم است) امّا این دلیل مستقلی در قبال دلیل اوّل, یعنی اصالة الإطلاق نیست, بلکه مانند مقدّمه ای بر آن است; زیرا پس از احراز صدق لغوی و عرفی رؤیت ـ هرچند به نحو مجاز شایع ـ بر رؤیت با ابزار, این بحث پیش می آید که آیا این رؤیت, مشمول (صم للرؤیة) هست یا نه؟ یعنی آیا (صم للرؤیة) اطلاق دارد تا شامل این فرد محرز و مسلّم رؤیت بشود یا نه؟

و اگر صدق (رؤیت) عرفی و لغوی ـ هر چند به نحو مجاز شایع ـ بر رؤیت با ابزار, مشکوک باشد, نوبت به بحث از اصالة الإطلاق نمی رسد.

اما دلیل سوم یعنی شمول اطلاق (اهلّه) در آیه شریفه (یَسْئلونک عَن الأهلّةِ قُل هِیَ مَواقِیت للناسِ والحجِّ) بر هلالی که مردم با چشم معمولی نمی بینند... ; پاسخش آن است که آیه را با عنایت به احادیث شریف مفسّر آن باید معنی کرد. که با مراجعه به آنها معلوم می شود که (اهلّه) چنین اطلاقی ندارد. (جمعی از مؤلفان، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، ۲۲۷/۴۳ به بعد)

طبق بررسی های انجام گرفته در این باره دیدگاه عامه اهل سنت واضح نشده است شاید از باب این باشد که رؤیت عادی و طبیعی در بین شان امری باشد مسلم و مفروغ عنه اما یکی از معاصرین علمای عربستان سعودی در پاسخ به این پرسش که آیا برای رؤیت هلال استفاده از آلات نوین جائز است یا نه؟؛فتوای به جواز داده که ما عین سوال و جوابش را از سائت«الاسلام سوال و جواب» نقل می کنیم که آدرس را هم ذکر کرده است.

السؤال(رقم السؤال 106489): هل يجوز اعتماد حساب المراصد الفلكية في ثبوت الشهر وخروجه ؟ وهل يجوز للمسلم أن يستعمل الآلات الحديثة لرؤية الهلال ؟ أم يجب أن تكون

الرؤية بالعين المجردة ؟

نص الجواب: الحمدلله "الطريقة الشرعية لثبوت دخول الشهر أن يتراءى الناس الهلال ، وينبغي أن يكون ذلك ممن يوثق به في دينه وفي قوة نظره ، فإذا رأوه وجب العمل بمقتضى هذا الرؤية ؛ صوماً إن كان الهلال هلال رمضان ، وإفطاراً إن كان الهلال هلال شوال ولا يجوز اعتماد حساب المراصد الفلكية إذا لم يكن رؤية ، فإن كان هناك رؤية ولو عن طريق المراصد الفلكية فإنها معتبرة ، لعموم قول النبي صلى الله عليه وسلم : (إذا رأيتموه فصوموا ، وإذا رأيتموه فأفطروا) اما الحساب فإنه لا يجوز العمل به ، ولا الاعتماد عليه وأما استعمال ما يسمى (بالدربيل) وهو المنظار المقرب في رؤية الهلال فلا بأس به ، ولكن ليس بواجب ، لأن الظاهر من السنة أن الاعتماد على الرؤية المعتادة لا على غيرها . ولكن لو استعمل فرآه من يوثق به فإنه يعمل بهذه الرؤية . وقد كان الناس قديماً يستعملون ذلك لما كانوا يصعدون (المنائر) في ليلة الثلاثين من شعبان وليلة الثلاثين من رمضان فيتراءونه بواسطة هذا المنظار.

على كل حال متى ثبتت رؤيته بأي وسيلة فإنه يجب العمل بمقتضى هذه الرؤية ، لعموم قول النبي صلى الله عليه وسلم : (إذا رأيتموه فصوموا ، وإذا رأيتموه فأفطروا) فضيلة الشيخ محمد بن عثيمين رحمه الله فتاوى علماء البلد الحرام" ص ١٩٢، ١٩٣ وقد نقلنا فتوى اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء في هذه المسألة في جواب السؤال رقم (١٢٤٥) ومما جاء فيها: "تجوز الاستعانة بآلات الرصد في رؤية الهلال ، ولا يجوز الاعتماد على العلوم الفلكية في إثبات بدء شهر رمضان المبارك أو الفطر"وانظر" فتاوى اللجنة الدائمة)"٩٩/٩ وبهذا يتبين أن من يزعم أن علماءنا يحرمون استعمال الآلات الحديثة في رؤية الهلال ، ويوجبون أن يكون ذلك بالعين المجردة ، أنه كاذب مفترٍ... والله أعلم» (https://islamqa.info/.../106489.)

مفتی اعظم عربستان بن باز هم همین دیدگاه را قبول دارد. (الموقع الرسمي لسماحة الشيخ الإمام ابن باز)

نتیجه:

بعد از نقد و بررسی در باره شرط وحدت افق و عدم آن؛ آنچه که دارای قوت به نظر می‌آید؛ عدم اعتبار وحدت افق می‌باشد و مهم‌ترین دلیلش هم اطلاق روایات است و نمی‌شود اطلاق را بپذیریم اما در عین حال مقید و محدود به مناطقی نماییم که دارای یک افق‌اند و بگوییم مناطق که اختلاف افق دارند را این اطلاق شامل نمی‌شود.

اما نسبت به رؤیت با چشم مسلح می‌گوییم وقتی که مخالف نیز این نظر را قبول دارد که رؤیت موضوعیت ندارد بلکه طریقی است برای احراز هلال و اول ماه همانند راه‌های دیگر (شهادت عدلین، شیوع موجب علم، تطوق هلال نزد بعضی و غیره) و ما حصل روایات نیز همین طریقیت است وقتی که چنین باشد و رؤیت طریقیتی بیش نداشته باشد چرا تنها قایل به موضوعیت رؤیت با چشم عادی و طبیعی بشویم؟ بنابر این می‌گوییم آنچه مهم و مطلوب شارع است حصول یقین یا لا اقل اطمینان از هلال و اول ماه است که این مطلوب به وسیله‌ی چشم مسلح نیز بدست می‌آید موید این امر؛ قبول معیارهای علمی قابل وثوق برای اثبات هلال است و لو با چشم عادی دیده نشده باشد.

از طرفی این دو مبنا باعث اتفاق و وحدت نظر در بین مسلمانان شده اختلافات را می‌زداید که مورد تاکید و تایید شرح مقدس بودن این نیر تایید دیگری بر مطلوب ما است.

پی‌نوشت‌ها

.....

۱. "صُومُوا لِرُؤْيتِهِ وَ أَفْطِرُوا لِرُؤْيتِهِ"

۲. «صم لروية الهلال و افطر لرؤيته و ان شهد عندك شاهدان مرضيان بانها راياه فاقضه».

۳. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ: فِيمَنْ صَامَ تِسْعَةً وَ عِشْرِينَ قَالَ إِنْ كَانَتْ لَهُ بَيِّنَةٌ عَادِلَةٌ عَلَى أَهْلِ مِصْرٍ أَنَّهُمْ صَامُوا ثَلَاثِينَ عَلَى رُؤْيَةٍ قَضَى يَوْماً»

٤. «صحيحه عبدالرحمن بن ابى عبداللّه:سالت ابا عبداللّه (ع): عن هلال شهر رمضان يغم علينا في تسع وعشرين من شعبان؟ قال: لاتصم الا ان تراه، فان شهداهل بلد آخر فاقضه»

٥. «لاتقضه الا ان يثبت شاهدان عدلان من جميع اهل الصلاة متى كان راس الشهر، وقال: لاتصم ذلك اليوم الذي يقضى الا ان يقضي اهل الامصار، فان فعلوا فصمه»

٦. «أن أم الفضل بنت الحارث بعثته إلى معاوية بالشام، فقال: فقدمتُ الشام، فقضيت حاجتها، واستُهلَّ علي رمضان،وأنا بالشام، فرأيت الهلال ليلة الجمعة، ثم قدمتُ المدينةفي آخر الشهر، فسألني عبد الله بن عباس، ثم ذكر الهلال، فقال: متى رأيتم الهلال؟ فقلت: رأيناه ليلة الجمعة، فقال: أنت رأيتَه؟ فقلت: نعم، ورآه الناس وصاموا، وصام معاوية، فقال: لكنا رأيناه ليلة السبت، فلا نزال نصوم حتى نُكْمِل ثلاثين أو نراه، فقلت: ألا نكتفي برؤية معاوية وصيامه؟ فقال: لا، هكذا أمَرَنا رسول الله صلّى الله عليه وسلم.»

٧. «أن رسول الله صلّى الله عليه وسلم قال: «إنما الشهر تسع وعشرون، فلا تصوموا حتى تروه، ولا تفطروا حتى تروه، فإن غُمّ عليكم فاقدُروا له»

٨. «صوموا لرؤيته، وأفطروا لرؤيته، فإن غم عليكم فأكملوا عدة شعبان ثلاثين»

٩. «وَ سَأَلْتُهُ عَمَّنْ يَرَى هِلَالَ شَهْرِ رَمَضَانَ وَحْدَهُ لَا يُبْصِرُهُ غَيْرُهُ أَ لَهُ أَنْ يَصُومَ قَالَ إِذَا لَمْ يَشُكَّ فِيهِ فَلْيَصُمْ وَحْدَهُ وَ إِلَّا فَلْيَصُمْ مَعَ النَّاسِ إِذَا صَامُوا»

١٠. «أنّه سأل أخاه موسى بن جعفر (ع) عن الرجل يرى الهلال في شهر رمضان وحده ولايبصره غيره، أ له أن يصوم؟ قال: إذا لم يشك فليفطر وإلّا فليصم مع الناس»

١١. «قال: إذا رأيتم الهلال فصوموا، و إذا رأيتموه فأفطروا، و ليس بالرأي و لا بالتظنّي و لكن بالرؤية. قال: و الرؤية ليس أن يقوم عشرة فينظروا فيقول واحد: هو ذا هو، و ينظر تسعة فلا يرونه، إذا رآه واحد رآه عشرة آلاف، و إذا كانت علّة فأتمّ شعبان ثلاثين».

کتابنامه

قران مجید

۱. ابن حمزه طوسی، محمد بن علی، **الوسیله الی نیل الفضیله**، انتشارات کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی، قم، چ.اول، ۱٤۰۸ق.

۲. ابن رشد الحفید،**بدایة المجتهد**، دار الحدیث، قاهر، ۱٤۲۵ق.

۳. ابن عابدین، محمد امین ،**الدر المختار ورد المحتار**، دار الفکر، بیروت، چ.دوم، ۱٤۱۲ق.

٤. بحرانی، یوسف، **الحدائق الناضرة**، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چ.اول، ۱٤۰۵ق.

۵. بهوتي، منصور بن یونس، **کشاف القناع**، دار الکتب العلمیه،بیروت، بی‌تا.

٦. جزیری، عبد الرحمان، **الفقه علی‌المذاهب‌الاربعه**، دارالکتب العلمیة، بیروت، چ.دوم، ۱٤۲٤ق.

۷. جمعی از مؤلفان، **مجله فقه اهل بیت علیهم السلام**، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، چ.اول، بی‌تا.

۸. حرّ عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعة**، تحقیق: گروه پژوهش مؤسسه آل البیت، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، قم، چ.اول، ۱٤۰۹ق

۹. حلّی، جعفر بن حسن، **شرائع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام**، تحقیق: عبدالحسین محمدعلی بقال، مؤسسه اسماعیلیان، قم، چ.دوم، ۱٤۰۸ق.

۱۰. حلی، حسن بن یوسف، **تحریر الاحکام، مؤسسه امام صادق علیه السلام**، قم، چ.اول، ۱٤۲۰ق.

۱۱. خوئی، سید ابوالقاسم، **المستند فی شرح العروه الوثقی، مقرر:** مرتضی بروجردی، بی‌جا، بی‌تا.

۱۲. خوئی، سیدابوالقاسم، **موسوعه الامام الخوئی**، مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئي، قم، چ.اول، ١٤١٨ق.

۱۳. دسوقی ، محمد ابن عرفه، **حاشية الدسوقی علی الشرح الكبير**، دار الفكر، بيروت، بی‌تا.

١٤. شرنبلالي، حسن بن عمار، **مراقي الفلاح**، المكتبة العصرية قاهره، چ.اول، ١٤٢٥ق.

١٥. شوكانی، محمد بن علی، **نيل الأوطار**، دار الحديث، قاهره، چ.اول، ١٤١٣ق.

١٦. طوسی، محمد بن حسن، **تهذيب الأحكام**، دار الكتب الإسلامية، تهران، چ.چهارم، ١٤٠٧ق.

۱۷. طوسی، محمدبن حسن، **كتاب المبسوط**، المكتبة المرتضوية، تهران، چ.سوم، ۱۳۸۷ش.

۱۸. صدوق، محمّد بن علی، **من لا يحضره الفقيه**، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چ.دوم، ١٤١٣ق.

۱۹. عاملی، زين الدين بن علی، **الدروس الشرعيه**، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چ.دوم، ١٤١٧ق.

۲۰. عريضی، علی بن جعفر عليهما السلام، مسائل علي بن جعفر و مستدركاتها، تحقيق: موسسه آل البيت، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، چ.اول، ١٤٠٩ق

۲۱. غنيمی ميدانی، عبد الغني، اللباب شرح الكتاب، المكتبه العلميه، بيروت، بی‌تا.

۲۲. قراقي، شهاب الدين، الفروق،عالم الكتب، نسخه نرم افزار مكتبة الشامله.

۲۳. كاشف الغطاء، جعفر، كشف الغطا، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چ.اول، ١٤٢٢ق.

۲٤. كلينی، محمدبن يعقوب، الكافی، دار الحديث قم، چ.اول، ١٤٢٩ق.

۲۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، مؤسسة الطبع و النشر بيروت، چ.اول، ١٤١٠ق.

۲٦. حلی، شرايع الاسلام، مؤسسه اسماعيليان، قم، چ.دوم ،١٤٠٨ق.

۲۷. شربيني، محمد بن أحمد، مغني المحتاج، دار الكتب العلمية، بيروت، چ.اول، ١٤١٥ق.

۲۸. مختاري، رضا، رويت هلال ، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چ.اول، ١٤٢٦ق.

۲۹. مسلم بن حجاج نيسابوري، صحيح مسلم، دار إحياء التراث العربي، بيروت.

۳۰. مفيد، محمدبن محمد، المقنعه، كنگره جهانی هزاره شيخ مفيد، قم، چ.اول، ١٤١٣ق.

۳۱. الموسوعة الفقهية الكويتية، وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية - الكويت.

۳۲. الموقع الرسمي لسماحة الشيخ الإمام ابن باز. https://islamqa.info/.../106489 .

۳۳. زحيلي، وهبه، الفقه الاسلامی و ادلته، دار الفكر، دمشق، چ.چهارم.

۳٤. نووي، يحيى بن شرف، المجموع، دار الفكر، دمشق، چ.چهارم.